

لنڀنيسم و جنبش مشرفي جوانان



- لنینیسم و جنبش مترقی جوانان
- انتشار مجدد: چاوشان نوزایی کبیر
- آدرس:

<http://chawoshan.mihanblog.com>

لنین همواره جوانان را عامل مهم دگرسازی انقلابی جامعه بر مبنای اصول کمونیستی می دانست. وی مکرراً تأکید میکرد که ترقی اجتماعی آتی به این بستگی دارد که چه کسی اکثریت زحمتکش نسل جوان را به دنبال خواهد داشت.

در تحلیل علل فعالیت سیاسی جوانان، باید همواره این حقیقت را در مد نظر داشت که نظام جهانی سوسیالیستی و تمام جنبش های ضد امپریالیستی، انقلابی و آزادی بخش زمان ما رو به اعتلاء هستند.

طبقه ی کارگر پیوسته، پیگیرترین رزمنده ی راه تحول جهان بوده است. این طبقه نیرویی قاطع در ساختمان سوسیالیستی رشد یافته، پیشاهنگ سیاسی آن، آفریننده و عامل تمام ارزش های معنوی، هنجارها و اصول کمونیستی و سنن انقلابی و کاری آن است. استقرار نظام جهانی سوسیالیستی دستاورد عظیم طبقه ی کارگر بین المللی بوده و وحدت انترناسیونالیستی جامعه ی جهانی سوسیالیستی توسط طبقه ی کارگر کشورهای برادر تحکیم یافته است.

طبقه ی کارگر پیشاهنگ تمامی جنبش ضد امپریالیستی و مبارزه در راه ترقی اجتماعی در کشورهای سرمایه داری است.

در مرحله ی کنونی تکامل جهان ، نیروهای سیاسی و اجتماعی متنوعی به روند انقلابی پیوسته اند. پتانسیل انقلابی عظیم دهقانان و اقشار بینابینی و خرده بورژوازی شهری نیز خود را عیان ساخته است. صفوف مبارزه ی مشترک با پیوستن مهندسین و تکنیسین ها و اقشار وسیع کارگران یقه سفید، روشنفکران و جوانان، فشرده تر میگردد. پیوند فزاینده ی مبارزه ی اقتصادی و سیاسی پرولتاریای کشورهای سرمایه داری با مبارزه ی دیگر اقشار خلق، این طبقه را به صورت سخنگوی آگاه و پیگیر منافع تمام ملت درآورده است. پیشروی طبقه ی کارگر به صف نخست مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی در جنبش های ملی کشورهای جهان سوم نیز در جریان است.

اهمیت قاطع جنبش طبقه ی کارگر بین المللی در روند انقلابی جهان ، در وجود پیشاهنگ آن یعنی جنبش کمونیستی متجلی می گردد که به نحوی پیگیر اهداف و دورنمای اساسی روند انقلابی جهان و نیازهای بنیادی ترقی اجتماعی را بیان می دارد. بی اغراق می توان گفت که مترقی ترین گرایش های تکامل جامعه ی انسانی روزگار ما در دستاوردهای عملی جنبش جهانی انعکاس یافته است.

اجرای موفقیت آمیز برنامه ی لنینی صلح مصوبه ی گنگره ی بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز برنامه ی مبارزه در راه صلح و همکاری بین المللی و در راه آزادی و

استقلال خلق ها مصوبه ی گنگره ۲۵، که تشنجات بین المللی را به طور قابل توجهی کاهش داده است، دستاورد بزرگ سوسیالیسم جهانی در سال های اخیر است.

تشنج زدایی بین المللی شرایط مساعدی برای جنبش دمکراتیک زحمتکشان در مبارزه علیه قدرت مطلقه ی انحصارات فراهم آورده و امکانات نوینی برای وحدت همه ی بخش های نیروهای ضد امپریالیست و برقراری اتحادهای سیاسی توده ای طبقه ی کارگر خلق کرده است.

امروزه جنبش انقلابی جوانان به عامل مهمی در مبارزه ی تاریخی در راه سوسیالیسم و کمونیسم بدل شده است. جوانان شوروی، که در شرایط سوسیالیسمِ رشدیافته، زندگی می کنند، سهم هر چه بیشتری را در ساختمان کمونیسم به عهده می گیرند.

جوانان زیر ۳۰ سال، ۴۰ درصد نیروی انسانی اتحاد شوروی را تشکیل می دهند، جوانان به نیروی مهمی در تکامل اقتصاد، فرهنگ و آموزش و پرورش سوسیالیستی بدل شده اند. در کشورهای سوسیالیستی دیگر نیز وضع مشابهی وجود دارد.

مردم شوروی بخش قابل توجهی از اداره ی امور کشور را به عهده ی جوانان گذاشته اند. مردم، حزب کمونیست و دولت شوروی به خوبی آگاهند که قسمت اعظم رزمندگان جنگ های داخلی و میهنی و نیز کارگران ضربتی طرح های پنج ساله ی قبل و بعد از جنگ را جوانان تشکیل می دادند. نسل جوان کنونی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، با طرز تلقی کمونیستی از کار، وفاداری شان را به سنن انقلابی برجسته ی پدران شان ثابت کرده اند و پیوستگی

جاودان نسل ها را که ذاتی مترقی ترین نظام اجتماعی است نشان داده اند. اما در کشورهای سرمایه داری وضع به گونه ی دیگری است.

لئونید برژنف ، دبیر کل کمیته ی مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه ی شورای عالی اتحاد شوروی می گوید: « نسل جوان کشورهای بورژوایی بطور روزافزونی از نظام و شیوه ی زندگی سرمایه داری نومید می شود و تنفر و اعتراض خود را به طرق مختلف ابراز می دارد. بخش روشن بین تر از این نسل به مبارزه ی آگاهانه علیه نظام کهن بر می خیزد. کنترل جوانان و اعمال نفوذ بر آنان بیش از پیش برای سرمایه داری دشوار می گردد. از اینجا به نحو روشنی می توان دریافت که سرمایه داری آینده و دورنمای تاریخی ندارد.»^۱

جوانان کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بخش مهم از جبهه ی متحد ضد امپریالیستی و نیروهای صلحدوست نسل جوان معاصر را تشکیل می دهند.

انرژی انقلابی اوج گیرنده ی توده های جوان و افزایش نقش اجتماعی و سیاسی آنان از ویژگی های بسیار مهم مرحله ی کنونی روند انقلابی جهان است.

منافع جنبش جهانی کمونیستی وحدت عمل همه ی نسل های زحمتکش و به ویژه طبقه ی کارگر را ایجاب می کند. این امر نتیجه ی منطقی آموزش لنینی مبارزه ی طبقاتی پرولتاریا و تداوم سنن انقلابی است. لنین خاطر نشان می ساخت که : « .. کارگران جوان به تجربه ی رزمندگان آزموده علیه ستم و استثمار و کسانی که اعتصابات را سازماندهی کرده اند و نیز در انقلابات شرکت

۱: ل. ای. برژنف ، بنای کمونیسم برای جوانان است، مسکو ، ۱۹۷۰ صفحه ی ۲۲۹ (به زبان روسی)

نموده، نیاز دارند.»^۱ برای جوانان درگیر مبارزه علیه نابسامانی های اجتماعی جامعه ی سرمایه داری جنبش طبقه ی کارگر بین المللی الگوی مبارزه ی پیگیر در راه آینده ی درخشان نوع بشر است. از دیدگاه تئوری مارکسیستی - لنینیستی روابط بین طبقه ی کترگر و جوانان و جنبش های آنان جزئی از کل مسئله ی روابط طبقه ی کارگر و متحدینش است.

پیوند نزدیک با طبقه ی کارگر و سوسیالیسم علمی تنها دورنمای مترقی و انقلابی برای جوانان و جنبش آنان است. تحولات سوسیالیستی برای جوانان مناسبات واقعاً انسانی و صلح پایدار به ارمغان می آورد و نیازهای مادی و معنوی آنان را برآورده می سازد.

جنبش جوانان، که نقش مهمی در حیات اجتماعی ایفا می کند یک نیروی قائم به ذات نیست و از خود ایدئولوژی یا تاکتیک سیاسی ندارد. لنین نشان داد که هیچ تحلیل عمیق و دقیقی از جنبش های جوانان جدا از تحلیل صف بندی کلی نیروهای طبقاتی و سیاسی کشور، تمامی گرایش های ایدئولوژیک و جریان جنبش دمکراتیک عمومی و جنبش طبقه ی کارگر وجود ندارد. لنین تأکید می نمود که گرایش های سیاسی جوانان را می بایست در متن شرایط واقعی زندگی اجتماعی جستجو کرد.^۲

کمونیست ها در عین حالی که از تمایز طبقاتی جوانان آگاهند آنان را یک گروه اجتماعی خاص می دانند. از مشحصات جوانان نوآوری و آینده نگری آنان است. لنین توجه به این ویژگی نسل جوان را جلب می کرد. او توان انقلابی جوانان و امکانات وسیع جذب آنان به سوی حزب

۱: و. ای. لنین کلیات آثار، مسکو، جلد ۱۱ صفحه ی ۴۱۲.

۲: منبع قبل، جلد ۷، صفحات ۵۳-۵۲

کمونیست را خاطر نشان می ساخت. وی می نویسد: « ما حزب آینده ایم، و آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق بسیار از نوآوران پیروی می کند.»^۱

لنین معتقد بود که با تعقیب اصل حزبی بسیار مهم هدایت جوانان و سازمان های آنان می توان اشکال ویژه ی کار با جوانان و کمک به آنان را برای رفع مشکلاتشان پیدا کرد. کمونیست ها از فرق میان جوانان مشتاق مبارزه اما فاقد تجربه و آن دسته از تئوریسین های کاذب انقلاب که جوانان را به راه های انحرافی می کشانند، نیک آگاهند. تنوع شیوه ها و شکل های مبارزه علیه ایدئولوگ های اپورتونیسم و ماوراء انقلابیگری از یک سو و پیشداوری های خودجوانان از سوی دیگر از این جا ناشی می شود. لنین در این مورد می نویسد: «بزرگسالانی که ادعای رهبری و آموزگاری پرولتاریا را دارند اما در واقع بدآموزی می کنند کسانی هستند که باید علیه شان مبارزه ی بی رحمانه ای صورت داد. اما سازمان های جوانان که آشکارا اعلام می دارند که هنوز در حال فراگیری اند. . . چیز کاملاً متفاوتی اند به اینان هرگونه کمکی رواست. ما باید نسبت به اشتباهات

آنان شکیباً باشیم و بکوشیم آنها را به تدریج و عمدتاً با اقناع، نه با جنگیدن تصحیح کنیم.»^۲

در عین حال لنین زیر پا گذاشتن اصول سوسیالیسم علمی در رابطه با جوانان و هرگونه کوششی جهت سازش با گرایش های متداول در میان آنان را اکیداً منع کرد. وی تأکید می کرد که:

«ما نباید در برابر جوانان چاپلوسی کنیم.»

۱: منبع قبل ، جلد ۱۱ ، صفحه ی ۳۵۴

۲: منبع قبل ، جلد ۲۳ ، صفحه ی ۱۶۴

لنین یک سیستم هماهنگ آموزش انقلابی جوان را ارائه داد؛ وی آموخت که کار میان جوانان می بایست روی تکامل جنبش جوانان به مثابه ی شریک فعال مبارزه ی طبقاتی در راه منافع طبقه ی کارگر، صلح و سوسیالیسم حداکثر کوشش متمرکز گردد. از اینرو در قطعنامه ای که از سوی لنین و رزا لوکزامبورگ برای کنگره ی اشتوتگارت تنظیم شد توصیه شده که باید «به طریقی (عمل کرد) که جوانان کارگر با روحیه ی سوسیالیستی و آگاهی از برادری ملل تربیت گردیدند.»^۱

لنین خواهان شرکت هرچه بیشتر جوانان در جنبش انقلابی تحت رهبری تشکیلاتی حزب بود. وی شرکت جوانان را در تمام اشکال عمل انقلابی مکتب ضرور آموزش سیاسی می دانست. مکتبی که در دسترس همه ی جوانان است و در آن می توان الگوهای مشخص تربیتی را به کار برد. لنین در انتقاد شدید از اپورتونیست ها، که نسبت به علاقه ی عمیق جوانان به سیاست اعتراض داشتند، عمدتاً روی آموزش جهان بینی انقلابی به جوانان تأکید داشت.

کار در میان جوانان به مثابه ی یک نیروی سیاسی فعال و ذخیره ی جنبش کمونیستی همواره یک گرایش مهم در فعالیت کمونیستی بوده است. در این مورد کمونیست ها حکم زیرین را که از سوی لئونید برژنف خطاب به کنگره ی هفدهم اتحاد کمونیستی جوانان شوروی (کمسومول لینی) بیان شد فرا راه خویش قرار می دهند: «بنابراین، این مسأله مهم است که مطالعه ی تئوری مارکسیستی-لینیستی از سوی جوانان نباید به از بر کردن استنتاجات تنزل پیدا کند، باید بدان ها

کمک کند که مستقل بیاندیشند، مسائل مبهم را حل کنند، قوانین و دورنمای تکامل اجتماعی را ببینند، و مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه ایدئولوژی بورژوازی صورت دهند.»^۱

احزاب کمونیست در این مبارزه مساعی خود را روی پرورش کیفیات برجسته ی جوانان برای جلب وسیع ترین اقشار ممکن آنان به مبارزه علیه تهدید جنگ ، علیه امپریالیسم ، نزدیک ساختن سازمان هایشان به مواضع طبقه ی کارگر ، مواضع سوسیالیسم ، و بردن جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی به میان آنان متمرکز می سازند.

وظایف انترناسیونالیستی که بر دوش جوانان شوروی قرار گرفته از همین جا ناشی می گردد. وظیفه ی آنان در محدوده ی کشورمان عبارت است از آموختن کمونیسم و بنای جامعه ی کمونیستی؛ اما در سطح بین المللی آنان مؤظفند در جنبش معاصر جوانان نقش فعالی به عهده گیرند، وحدت تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست را تسریع کنند و مبارزه ی قاطعی را علیه نفوذ افکار بورژوازی و انواع دیگر نظرات رویونیستی در میان جوانان و نیز علیه هر گونه انحراف ماجراجویانه، چپ روانه، آنارکوسندیکالیستی و ناسیونالیستی صورت دهند.

نشر جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی و اصول انترناسیونالیسم پرولتری وظیفه ی بزرگ اتحاد کمونیستی جوانان لنینی(کمسومول) است.

* * *

سال های دهه ی هفتاد با تحول معینی در جنبش جوانان کشورهای سرمایه داری مشخص می گردد که طی آن تقسیم و گروه بندی جدیدی در نیروی این جنبش رخ نمود. در دهه ی پیشین جنبش خودپوی جوانان تا حد قابل توجهی فرسوده شده بود. این جنبش در نبرد طبقه ی کارگر و جنبش های دمکراتیک عمومی علیه انحصارات و نیروهای امپریالیستی سهمیم بود و در پیروزی های نیروی نخست نقش داشت. در همان حال نوعی سرخوردگی و یأس ناشی از انجام نگرفتن تحولات اجتماعی-اقتصادی بنیادی در آن کشورها بر بخش های ناستوارتر جوانان غلبه کرد. همچنین در نتیجه ی فعالیت های ماجراجویانه و تحریک آمیز گروه های چپ رو و ماوراء چپ، بحرانی در جنبش جوانان بروز کرد. نوعی عدم انطباق بین بسیاری از مفاهیم ایدئولوژیک و شرایط واقعی زندگی پدیدار شد که آشفتگی درونی و نوسازی جنبش را ناگزیر ساخت. تغییرات زیرین در صحنه ی جهانی نیز نوسازی را ضرور می ساخت: کاهش تنش بین المللی و پایان جنگ در آسیای جنوب شرقی. این تغییرات وظایف جدیدی را فرا راه قرار داده ، اشکال نوینی از جنبش ضد جنگ و ضد امپریالیستی پیش می گذارد. اشکال نوین مبارزه تغییراتی در تاکتیک های محافل حاکمه ی سرمایه داری را ایجاب نموده که عمدتاً در توسل روزافزون آنان به مانورهای اجتماعی متجلی می گردد.

نوسازی جنبش جوانان و جستجوی راه های جدید تکامل آن در اوایل دهه ی هفتاد ، که طی آن رفیقان نیمه راه و همراهان اتفاقی جنبش جوانان آن را ترک کردند، بخوبی نمایان است. بسیاری از لیبرال های میانه رو ، رادیکالیسم موقت خود را کنار گذاشتند و اعمال جوانان چپ رو نمود کمتری داشت. در همان حال هسته ای از جوانان پدید آمد که تکیه به نظرات چپ روانه ی

ایده آلیستی و خرده بورژوازی را ترک نموده به سوسیالیسم علمی نزدیک تر شده بودند. این امر ناشی از نفوذ قاطعی است که تجربه ی سیاسی همواره اعمال می کند.

اولاً، درک نیاز به پیوند محکم با جنبش طبقه ی کارگر در میان جوانان و از جمله جنبش دانشجویان در حال گسترش است. در عین حال، روندهای اجتماعی- روانشناسانه در میان کارگران صنعتی جوان آغاز شده است: آگاهی طبقاتی آنان و شرکت آنان در مبارزه علیه انحصارات دوش به دوش نسل مسن تر به سرعت در حال تکامل است. جنبش ها، سازمان ها و گروه بندی های جوانان می کوشند با دیگر شاخه های جنبش دمکراتیک و با سازمان های طبقه ی کارگر و احزاب کمونیستی و کارگری وارد اتحادهای سیاسی شوند.

ثانیاً، کاهش نفوذ ایدئولوژی و پراتیک ماوراء چپ نتیجه ی سیاست های ماجراجویانه ی گروه های چپ رو و ماوراء چپ است، سیاستی که به پدیده های بحرانی در درون جنبش جوانان و تلاشی چند سازمان بزرگ جوانان منجر گردیده است. اخیراً در میان جوانان چپ روی که مواضع خود را در جنبش توده ای دمکراتیک حفظ کرده اند گرایشی به سمت درک دقیق تر و عمیق تر واقعیات سیاسی و تسلط بر تمام اشکال و شیوه های مبارزه که طی دهه ها توسط جنبش طبقه ی کارگر و جنبش دمکراتیک آزموده شده، بروز کرده است.

ثالثاً، زحمتکشان جوان اقلیت های ملی و کارگران جوان مهاجر در جنبش کارگری به طور روزافزونی شرکت فعال می کنند.

رابعاً، ایده های سوسیالیسم، ایده های مارکس ، انگلس و لنین در میان جوانان دمکرات مقبولیت فزاینده ای کسب نموده است. علاقه ی روزافزون جوانان کشورهای سرمایه داری به زندگی و فعالیت های خلاق جوانان کشورهای سوسیالیستی و به سوسیالیسم واقعی و دست آوردهای آن در این رابطه قابل توجه است.

باید به خاطر داشت که تمام این ویژگی های جنبش دمکراتیک توده ای، از جمله جنبش جوانان، تا حدود زیادی توسط شرایط نوین واقعیت اقتصادی و اجتماعی دهه ی هفتاد تعیین می شود.

امروزه جریان امور در کشورهای سرمایه داری با دشواری های عظیم مالی و پولی، بحران انرژی ، بیکاری فزاینده، نابسامانی شدید اوضاع اقتصادی و رقابت حاد بین گروه های انحصاری رقیب در کشورهای جداگانه و بین انحصارات چند ملیتی مشخص می گردد.

در شرایط سرمایه داری انحصاری، انقلاب علمی و فنی تأثیر ناگواری بر منافع حیاتی جوانان زحمتکش می گذارد. گسترش صنایع مدرن تقاضا را برای کارگران بسیار ماهر با سطح معینی از آموزش مهندسی افزایش داده و بسیاری از کارگران جوان را که فاقد مهارت لازمند عاطل گذاشته است.

بیکاری بلای جان پرولتاریای جوان کشورهای سرمایه داری است و مصایبی که از این جهت بر آنان وارد می گردد در کشورهای سوسیالیستی در تصور هم نمی گنجد.

مصایب پرولتاریای جوان با وجود ارتش عظیم بیکاران از میان کارگران مسن بیشتر می گردد. زمانی که کار پیدا می شود مدیران صنعتی ترجیح می دهند نه مبتدیان بلکه کسانی را به کار گیرند که دارای تجربه ی صنعتی باشند. پیداست که کارگران جوان پیش از همه کنار گذاشته می شوند، حقوق جوانان در جامعه ی سرمایه داری مورد حمایت قانون کار نیست. در سال ۱۹۷۷، ۱۹ درصد کل بیکاران ایالات متحده را بیکاران سنین ۱۰ الی ۲۰ سالگی تشکیل می دادند.

تبعیض سنی نیز متداول است مزد کارگران جوان نصف بزرگترهاست و دختران دستمزدی معادل ۴۰ درصد دستمزد کارگران بزرگسال دریافت می دارند. نسبت به جوانان از هر جهت تبعیض روا می گردد. مطابق قاعده مشاغلی که به تخصص احتیاج دارد، به روی آنان بسته است. و شغل هایی که بدانان سپرده می شود مستلزم کار شدید و فرساینده است.

در این شرایط دشوار زندگی، فعالین ثابت قدم جنبش جوانان هدف تسلط بر تمام اشکال مبارزه ی اقتصادی و سیاسی را پیش روی خود نهاده اند و با تمام نیرو می کوشند از امکانات اتحادهای سیاسی بهره گیرند. جنبش جوانان بیش از پیش با جنبش دمکراتیک عمومی در می آمیزد و پیوند های آنان با جنبش طبقه ی کارگر نیرومندتر می گردد. چنین پیوندهایی در فرانسه و ایتالیا مستحکم است و در سال های اخیر در جمهوری فدرال آلمان و بریتانیای کبیر نیز پیشرفت های قابل توجهی در این زمینه صورت گرفته است.

رشد آگاهی سیاسی و گرایش های سوسیالیستی انقلابی در میان جوانان بر روی سازمان های جوانان سوسیال دمکرات، لیبرال و مسیحی تأثیر می گذارد. جوانان در جناح چپ احزاب

سوسیال دمکرات و مسیحی متشکل می گردند و تغییرات بنیادی را طلب می کنند. بخش جوان «جامعه ی زحمتکشان کاتولیک ایتالیا» اکنون خواهان راه رشد سوسیالیستی است. جناح جوانان حزب سوسیال دمکرات آلمان در کنگره ی مونیخ خود به سال ۱۹۷۴ خواستار مالکیت عمومی بر شاخه های کلیدی صنایع و بانک ها شد. نوعی گردش به چپ در سازمان های کاتولیک پرولتاریای جوان در بلژیک ، اسپانیا و دیگر کشورها به چشم می خورد. گردش به چپ در تعدادی از جوامع جوانان، عمل سیاسی مشترک جوانان کمونیست، سوسیال دمکرات و مسیحی را امکان پذیر ساخته است.

همکاری همان سازمان های جوانان دارای گرایش های سیاسی متفاوت در سطح بین المللی هم در حال گسترش است. تشکیل مجامع وسیعی همچون کنفرانس های جوانان و دانشجویان در هلسینکی و فلورانس در باره ی امنیت اروپا و مسائل مشابه امکان پذیر گردیده است. یکی از خطوط عمده ی ارتقاء جنبش جوانان کشورهای سرمایه داری نهضت برای دمکراتیزه کردن عمیق حیات اجتماعی و سیاسی است. سازمان های جوانان فرانسه بخشی از نیروی توده ای را در دفاع از حق کار و آزادی های دمکراتیک تشکیل می دهند. در جمهوری فدرال آلمان ، جوانان علیه موانع تبعیض آمیز شغلی مبارزه می کنند. مبارزه ی دانشجویان ایتالیایی در راه اصلاحات دمکراتیک در مدارس عالی کشور بر روی وضعیت سیاسی کشور اثر مثبتی گذاشته است.

جنبش جوانان دمکرات خواستار مشارکت دمکراتیک توده ها در اداره ی صنایع و جامعه، و نیز لغو اشکال ظریف نابرابری اجتماعی از قبیل موانع موجود در آموزش و پرورش ، فرهنگ ،

شرایط کار و روابط اجتماعی شده است. مخالفت با «فرهنگ توده»^۱ به مثابه ی شیوه ی تحمیل جهان بینی رسمی یا نیمه رسمی بورژوازی بخش مهمی از کارپایه ی دمکراتیک جوانان است. از اواخر دهه ی ۶۰ کارگران جوان، شرکت کنندگان جوان جنبش کارگری، که درگیری آنان در مبارزه ی ضد انحصاری افزایش یافته فعالیت بیشتری از خود نشان می دهند. تعداد موارد تماس اجتماعی و ایدئولوژیک بین فعالین جوان طبقه ی کارگر و اعضای جنبش های دمکراتیک توده ای بسیار فزونی گرفته است. جنبش کارگران جوان اشکال سازمانی خود را نیز بهبود بخشیده است. کارگران جوان خواسته های خود را ارائه داده اند که عبارتند از: امکانات آموزشی بیشتر، سیستم بهتر کارآموزی در شرایط انقلاب علمی و فنی، رفع تبعیض علیه جوانان از نظر دستمزد، حمایت از کار و غیره، در میان خواسته های کارگران جوان و جنبش آنان خواست مبنی بر دمکراسی صنعتی و کار جای ویژه ای دارد. در بعضی کشورها، مبارزه در راه دمکراسی صنعتی به پیدایش اشکال نوین سازمانی طبقه ی کارگر انجامیده است. در بریتانیای کبیر کارگران جوان در امر تشکیل شوراهای کارکنان داکاین کوشش زیادی مبذول داشتند. در جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۷۲ بر اثر فعالیت کارگران جوان با پشتیبانی اتحادیه های کارگری قانونی مبنی بر گسترش حقوق کارگران در کارخانه ها و غیره به تصویب رسید.

کارگران جوان علاوه بر فعالیت جداگانه، در فعالیت کل طبقه ی کارگر نیز شرکت می ورزند. فعالیت کارگران جوان به ویژه در شاخه های عمده ی صنایع چشمگیر است. این فعالیت می

۱: ل. ا. برژنف، راه ما، صلح و سوسیالیسم، مسکو، ۱۹۷۴، صفحه ی ۹۶

تواند بخشی از کارگران را در عرصه ی خدمات عمومی ، که به مهارت کمتری نیازمند است، و در آن سهم جوانان و به ویژه اقلیت های ملی و نژادی و مهاجران قابل توجه است، جلب کند.

کارگران جوان به خصوص تکنوکراسی انقلاب علمی و فنی را که ناقض دمکراسی و ترقی اجتماعی است نمی پذیرند، آنان علیه مشقت شغلی ، شدت فزاینده ی کار و عدم امکان بروز ابتکار به پا خاسته اند جاذبه ی بیشتر شغلی جزء خواسته های اساسی کارگران جوان است. کارگران جوان روز به روز از روند تولید سرمایه داری بیگانه می شوند و به فقدان ارزش اجتماعی و انسانی کار در جامعه ی بورژوازی اعتراض می کنند.

نیازهای کارگران جوان در زمینه ی آموزش و پرورش حرفه ای و بازآموزی و دسترسی به ارزش های فرهنگی، و نیز واکنش شدید آنان در برابر وظایف و اهداف نوینی که پیش روی جامعه است(فی المثل،حفاظت از طبیعت و بهبود محیط زیست) اکنون بخش بسیار مهمی از مبارزه ی جوانان در راه تغییرات بنیادی اجتماعی و اقتصادی را تشکیل می دهد. این امر مبارزه ی تمام نیروهای دمکراتیک را بر پایه ی کارپایه ی مشترک ممکن ساخته است.

در سالهای اخیر جنبش جوانان دانشجو گستره ی وسیعی یافته است. اکثر دانشجویان در شرایط دشواری زندگی می کنند. شهریه ی دانشجویان مدارس عالی ایالات متحده در سال های دوم و سوم دانشگاهی به سرعت در حال افزایش است. از این رو در حدود نیمی از آنها بالاجبار از تحصیل باز می مانند. آنانی هم که فارغ التحصیل می شوند سرنوشت خوبی در انتظارشان نیست.

در سال ۱۹۷۶ بیش از یک میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی در مراکز کاریابی ایالات متحده ثبت نام کردند.

واقعیت آن است که چشم انداز زندگی دانشجویان دستخوش تغییرات بنیادی شده است. در جامعه ی بورژوازی امروزین دیگر چنان نیست که دانشجویان از خانواده های مرفه برخیزند و به محض فارغ التحصیل شدن در مشاغل ممتاز جای گیرند. انقلاب علمی و فنی آموزش تعداد هر چه بیشتری دانشجو را در مدارس عالی ایجاب کرده است و این امر ورود نمایندگان بخش های خرده بورژوا، دهقانان، روشنفکران و طبقه ی کارگر را به دانشگاه ها ممکن ساخته است. در شرایط سرمایه داری کثرت فارغ التحصیلان دانشگاهی از ارزش دیپلم دانشگاه کاسته و آینده ی بسیاری از فارغ التحصیلان به شغلی بستگی دارد که در بازار کار می توانند به دست آورند. بخش عظیمی از این فارغ التحصیلان جوان از لحاظ فروش نیروی کارشان در بازار کار سرمایه داری به پرولتاریا شبیه اند، تنها تفاوت شان آن است که اینان بر خلاف کارگران که پشت دستگاه می نشینند به عنوان مهندس، تکنیسین، پزشک و دانشمند خدمات ارائه می دهند. تکانه ی اولیه ی جنبش دانشجویی در اکثر موارد نارضایتی فزاینده ی ناشی از عقب ماندگی عظیم نظام آموزش عالی در بسیاری از کشورهای سرمایه داری بوده است. انتقاد از کوته بینی حاکم بر جریان امور در دانشگاه تا سطح ارزیابی مجدد ارزش های ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه ی بورژوازی و نفی بنیادهای اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری تکامل یافته است. لبه ی چنین انتقادی متوجه ی حاکمیت مطلق سرمایه ی انحصاری است. در سرتاسر جهان سرمایه داری ، جنبش جوانان با مسأله

ی اجتماعی بسیار حادی روبروست: مسأله ی برخورد با اقلیت های ملی و نژادی، واقعیات زندگی اجتماعی و سیاسی در جهان سرمایه داری طی دو دهه ی اخیر نمایانگر افراط در ناسیونالیسم در میان خرده بورژوازی است. با این حال بسط و توسعه ی انترناسیونالیسم در صحنه ی جهانی به طور کلی گرایش مسلط است.

رشد انترناسیونالیسم در جنبش های جوانان را می توان در پیدایش و رشد احساس مسئولیت در قبال واگذاری حقوق برابر به اقلیت های ملی و نژادی، در پشتیبانی از مبارزه ی این اقلیت ها و رد استثمار اقلیت ها و اعمال قهر نسبت بدانها در برنامه های جنبش های چپ گرا به وضوح دید. مبارزه ی جوانان در راه انجام وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در برابر کشورهائشان قرار گرفته با جنبش همبستگی بین المللی پیوند دارد. مثلاً فعالیت جوانان دمکرات در حمایت از نیروهای مترقی شیلی و اروگوئه حیطه ی وسیعی یافته است.

در بسیاری از اعتصابات و ستیزهای کارگری ایالات متحده حتی در دورترین نقاط جنوب، کارگران جوان - سیاه و سفید - فعالیت مشترک داشته اند. در خلال انتخابات رهبران اتحادیه های کارگران کارخانه های اتومبیل و هواپیماسازی در شمال ایالات متحده، کارگران سیاه با حمایت کارگران جوان سفیدپوست پیروز شدند، دست آوردهای دانشجویان سیاه پوست در دانشگاه های ایالات متحده در اتحاد با بخش های مترقی جوانان سفیدپوست امکان پذیر گشت. دانشجویان بلژیکی، فرانسوی و آلمان غربی علیه تبعیض نسبت به کارگران و دانشجویان خارجی مبارزه می

کنند. در استرالیا جوانان حقوق برابر برای بومیان مطالبه می کنند. جنبش های آزادی بخش جوانان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به سطح نوینی ارتقاء یافته است.

در مبارزه برای آزادی ملی، جوانان تجربه ی سیاسی کسب می کنند، به قدرت خود اطمینان می یابند و روز به روز بر این امر واقف می شوند که کسب استقلال ملی صرفاً هدف نخستین و بلافصل است که به دنبال آن وظیفه ی تحکیم استقلال سیاسی و به ویژه اقتصادی و امحاء بازمانده های استعمار فرا می رسد.

مبارزه در راه تغییرات اجتماعی و اقتصادی بنیادی و علیه استثمار امپریالیستی در بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که نسل جوان نقش بسیار فعالی در مبارزه ایفا می کند جای ویژه ای دارد.

رشد گرایش های انترناسیونالیستی در جنبش جوانان با گسترش شدید پیوندهای بین المللی، منطقه ای و قاره ای توأم است.

در شرایط کنونی تخفیف تشنج بین المللی وظایف نوینی در برابر جنبش جوانان قرار گرفته است.

مخالفت فعال با ماجراجویی و مداخله ی تجاوزکارانه ی نظامی و ایدئولوژی و روان شناسی میلیتاریسم یکی از پایه های عمده ی جنبش دمکراتیک جوانان در سال های اخیر بوده است. در همه جا فعالیت سیاسی جوانان تا حدود قابل توجهی بر روی مسائل حیاتی تحکیم صلح و امنیت بین المللی متمرکز بوده است. این موضوع در مبارزه ی جوانان ایالات متحده علیه تجاوز کشورشان

به ویتنام بخوبی نمایان است. در ژاپن جوانان برای برچیده پایگاه های نظامی ایالات متحده و انحلال سیستم میلیتاریستی دفاعی به پا خاسته اند. در اروپا جوانان در مبارزه برای امنیت اروپا و در عین حال در راه اهداف و برنامه های ضد جنگ شرکت می ورزند.

جنبش جوانان با جنبش ضد جنگ پیوند می یابد، زیرا مبارزه علیه تجاوز با مبارزه در راه دموکراسی و انسان گرایی در پیوند تنگاتنگ است. میلیتاریسم و ماجراجویی های نظامی همواره برای نسل جوان مسأله ی نگران کننده ای بوده است، زیرا پیش از همه جوانان را به جبهه ی جنگ اعزام می دارند.

تخفیف تشنج بین المللی ، کاربرد اشکال نوین مبارزه در راه صلح را ایجاب می کند. در این مورد هیچگونه کم کاری از سوی نیروهای صلح دوست جایز نیست. بعضی از نمایندگان نیروهای دموکراتیک مستعد چنین کم کاری ای هستند. در مبارزه علیه تلاش های افراطیون چپ ، و راست گرایان برای به مخاطره افکندن سیاست تشنج زدایی و ایجاد انحراف در سمتگیری آن وظایف نوینی بروز کرده است.

جوانان جزء نیروهای عمده ی جنبش های دموکراسی انقلابی هستند؛ اما تجربه ی تأسف آور گذشته نشان می دهد که آنان همچنین می توانند با گرایش های رنگارنگ چپ گرایانه و تروتسکیستی و مائوئیستی و نیز جنگ طلبی بی بند و بار به مثابه ی ذخیره و نیروی ضربتی فاشیسم مورد استفاده قرار گیرند. این چیزی است که در آلمان هیتلری و ایتالیای فاشیستی اتفاق افتاد.

انحطاط شدید اقتصادی در ایالات متحده و اروپای غربی در نیمه ی دهه ی ۱۹۷۰ که به وخامت شرایط زندگی زحمتکشان انجامید به گسترش اندیشه های افراطی راست و «چپ» میدان داد که به نوبه ی خود بر جوانان تأثیر گذاشت. نفوذ گرایش های افراطی در میان بخش معینی از جوانان در ایتالیا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و ایالات متحده بخوبی نمایان است. «چپ» گرایبی افراطی در بعضی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیرومند است. گهگاه طغیان هایی در گرایش های راست و «چپ» افراطی رخ داده است.

مرتجعین افراطی و نیروی ضربتی آنان می کوشند از دشواری های اقتصادی کشورهای سرمایه داری بهره برداری کنند، و جریان تشنج زدایی را متوقف ساخته بطور مصنوعی جو تشنج در کشورهای شان ایجاد نمایند. نیروهای ماوراء راست کشورهای اروپای غربی خواستار کاربرد «تجربه» ی خونتای شیلی و انجام کودتا و برقراری دیکتاتوری ارتجاعی در کشورهای خود هستند. در این طرح های شوم نقش مهمی برای جوانان در نظر گرفته شده است.

جمله پردازی انقلابی و ماجراجویی سیاسی همواره کارپایه ی گروه های چپ رو بوده است. باید به خاطر داشت که در اوضاع و احوالی که بیکاری مدت ها متداول بوده بخش معینی از کارگران و متخصصین بیکار و کم مزد، مستعد پذیرش نظرات افراطی هستند. به خوبی پیداست که در بسیاری از موارد ماجراجویی های نظامی و بحران های اقتصادی زاینده ی احساسات و نظرات ماوراء چپ است. گرچه پویایی نیروهای دمکراتیک و پشتوانه ی اجتماعی شان در شرایط حاضر افزایش قابل توجهی یافته است، با این حال کم بها دادن به تهدید ناشی از راست و «چپ» افراطی

جایز نیست. «چپ» افراطی به ایده های مارکسیسم متوسل می گردد و آن را به صورت کاذبی در می آورد. این گرایش می کوشد بر روی آن بخش از نسل جوان که دارای شور انقلابی و شوق آشنایی و درک سوسیالیسم علمی و مارکسیسم است، اعمال نفوذ کند.

تغییر تاکتیک های سیاسی محافل حاکمه و استفاده از تمام وسایل ایدئولوژیک اعمال نفوذ بر زحمتکشان و افکار عمومی نیز از عوامل تعیین کننده ی پیچیدگی مرحله ی کنونی تکامل جنبش دمکراتیک عمومی از جمله جنبش جوانان است.

ناگفته پیداست که هنوز برای ایجاد بی تفاوتی سیاسی و جدایی معنوی نسل جوان از ایده های مترقی امروزین که انعکاس جریان مترقی تاریخی و نیازهای عینی زمان ما است، بطور وسیعی به وسائل و دستگاه های ایدئولوژیک و فرهنگی رجوع می شود. در همان حال در کوشش برای اعمال نفوذ بر جوانان فعال و دارای افکار دمکراتیک استفاده از شیوه های عقلایی تر و انعطاف پذیر به نحو قابل توجهی افزایش یافته است. در کشورهای پیشرفته ی سرمایه داری ارگان های دولتی ویژه ای برای مسائل جوانان بر پا شده است؛ وظیفه ی چنین ارگان هایی نشر ایدئولوژی بورژوایی در میان جوانان است. به علاوه دستگاهی بر پای داشته اند که می کوشد انرژی جوانان را در جهت سیاست خارجی امپریالیستی به کار اندازد. سپاه صلح ایالات متحده آمریکا نمونه ی چنین دستگاهی است.

می توان تصور کرد که تغییر حاصل در سیاست دولتی کشورهای سرمایه داریِ رشدیافته، نتیجه ی ترس از دورنمای گرایش جنبش چپ جوانان به طبقه ی کارگر و نزدیکی فزاینده ی جوانان و دانشجویان به این طبقه است.

* * *

جنبش جوانان در سیر تکاملی، راه کاوش ایدئولوژیک پیچیده ای را پیموده که طی آن نیروی جاذبه ی آموزش مارکسیسم-لنینیسم بر روی بخش های بزرگی از جوانان و نه همه ی آنان تأثیر گذاشته و همچنان می گذارد. دیدگاه های ایدئولوژیک ناپخته، ضعف بزرگ بخشی از جوانان است. سیستمی از نظرات ایدالیستی شامل آئین های رنگارنگ مذهبی، ذن بودائیسم، سوسیال اتویسم با آمیزه ی نیرومندی از آنارشیسم (آرمان جامعه ی خودگردانی کمونی)؛ اگزیستانسیالیسم سارتر، نهیلیسم، بلانکیسم و حتی بابوفیسم که روی اهمیت استثنایی قهر و ناگزیری آن تأکید می ورزد، تروتسکیسم و مائوئیسم، «کلیسای متحده»ی مون و غیره و غیره، افکار جوانان و به ویژه دانشجویان را مسموم می کنند.

برای ایجاد بی بند و باری سیاسی در میان جوانان مفاهیمی ایدئولوژیک پرداخته شده است. این مفاهیم شامل تئوری های مبتنی بر مطلق کردن ویژگی های جغرافیایی و روانشناسی جوانان است. مفهوم شکاف نسل ها ریشه در تئوری های فرویدی و نئوفرویدی دارد. ایده های چنین دانشمندانی نیز با کمک استنتاجات نظری مربوط به انقلاب علمی و فنی اثبات می شود. نظریه ی نقش «ویژه» و «نوین» جوانان به مثابه ی نیروی محرکه ی مبارزه ی انقلابی مفهوم ایدئولوژیک

اساسی رادیکالیسم «چپ» است. این مفهوم پیشاهنگ با تز کذایی مستحیل شدن طبقه ی کارگر در نظام سرمایه داری و جامعه ی بورژوازی همخوانی دارد. این نظریه توسط مارکوزه ، الول و ایدئولوگ های دیگر از این قماش رواج داده شد. تئوری شکاف نسل ها توسط رویونیست هایی همچون ا. فیشر و اف. مارک به مثابه ی وسیله ای برای قرار دادن جوانان در مقابل کمونیست ها پذیرفته شد. نظریه ی آوانگاردیستی که جوانان را به مثابه ی هسته ی انقلابی قلمداد می کند با القاء نظریه ی برآورده شدن خود به خودی نیاز حیاتی اجتماعی و بی علاقگی به اشکال سازمانی مبارزه از سوی رادیکالیسم «چپ» ، شعارهای مبارزه علیه تمام ایده ها، اصول، و اشکال مبارزه و سازماندهی آزموده را که توسط احزاب کمونیستی و کارگری آفریده شده و از کوره ی تجربه ی نظام جهانی سوسیالیستی به در آمده است، موعظه می کند. رادیکالیسم «چپ» به مبارزه علیه «سانترالیسم» و به طور کلی ، صرف نظر از سرشت طبقاتی آن، برخاسته است. رادیکالیسم «چپ» سرشت خود به خودی جنبش و عمل «مستقیم» را می ستاید و شعارهای تروتسکیستی مخالفت با «دستگاه» ، «بوروکراسی» و غیره را بازخوانی می کند. انتقاد آن از انضباط پرولتری و نقش رهبری حزب اغلب بر دیدگاه های رویونیست ها و آنارشیست ها منطبق است.

بسیاری از نظریه پردازان نظریه ی پیشاهنگی نقش جوانان و جنبش دانشجویی اخیراً اصلاحاتی در تئوری هایشان وارد کرده اند. فی المثل، مارکوزه اکنون دیگر مثل گذشته نقش پیشاهنگی را تنها برای دانشجویان قائل نیست بلکه این نقش را به عهده ی دانشجویان و جوانان طبقه ی کارگر یا به عبارت صحیح تر جوانانی از میان طبقه ی کارگر که به دانشگاه راه می یابند

گذاشته است. در گذشته مارکوزه بیشتر روی اشکال اخلاقی، عاطفی و فعال اعتراض جوانان تکیه می کرد، اما بعد مجبور شد (مثلاً در مصاحبه با مجله ی نوول ابزرواتور در ژانویه ی ۱۹۷۳) ضرورت مبارزه ی سازمان یافته را بپذیرد.

اما در مفاهیم تئوریک ایدئولوژی رادیکالیستی و لیبرالی به مسأله ی تغییر اشکال هیچگونه پاسخ روشنی داده نشده است. همچون گذشته بر نقش آگاهی برای ایجاد تغییر تکیه می شود. مارکوزه با تکیه ی یکجانبه بر تغییر در آگاهی (در مصاحبه ی فوق) اظهار داشت سوسیالیسم تنها از طریق تغییر در آگاهی فردی و جمعی فرا می رسد.

رول^۱ ایدئولوگ برجسته ی لیبرالیسم در کتاب خویش «نه مارکس نه مسیح» (پاریس، ۱۹۷۰) ادعا می کند که بسیاری از انقلابات سیاسی ناکام شده اند و علت را محدودیت آنها به عرصه ی اقتصاد و سیاست و ناتوانی شان در ایجاد آگاهی جدید در انسان ذکر میکند. مشهورترین تئورسین مفهوم انقلاب از طریق تغییر در آگاهی چ. رایش مؤلف کتاب معروف «خرمی آمریکا» است. به نظر وی یک جامعه ی بیمار تنها از طریق «آگاهی جدید» قابل درمان است که حامل آن – نسل جوان – با انقلابی کردن ساخت جامعه قادر است انقلاب را هدایت کند، آن هم نه با شیوه های سیاسی مستقیم بلکه از طریق تغییر در فرهنگ و کیفیت زندگی فردی که موجب تغییر در ساخت سیاسی خواهد شد. مساعی این فیلسوفان و جامعه شناسان برای پیش بینی آینده به کمک مقولات «فرهنگ جوان» و «جامعه ی جوانان» سرشت آشکارا تخیلی دارد.

۱: اجلاس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری، مسکو، ۱۹۶۹، پراگ، ۱۹۶۹، صفحه ی ۳۸

این ایدئولوگ ها با فرو نشاندن شور انقلابی جوانان و کانالیزه کردن آن در جهتی که به اضمحلال جامعه ی سرمایه داری نخواهد انجامید خدمت زیادی به طبقات حاکمه می کنند. اینان با آنکه در آثارشان از سقوط نظام سرمایه داری دم می زنند، می کوشند به تئوری «سقوط از درون» سرمایه داری که توسط مارکسیست ها رد شده روح تازه بدمند. این موضوع به ویژه در مفاهیم مارکوزه و ریچ مشاهده می شود.

بعضی از ایدئولوگ های «چپ» افراطی مبارزه ی جوانان طبقه ی کارگر را مطلق و جدا می کنند؛ این را فی المثل در مفهوم «Ouvrierisme» می توان دریافت که یکی از بنیان آن ا. مندل تروتسکیست بلژیکی است که تصور می کند در نتیجه ی رشد بیش از پیش نسبت جوانان در میان طبقه ی کارگر اشکال نوین مبارزه پدید آمده است (لوموند دیپلماتیک، ژوئن ۱۹۷۱).

مسائل کار ایدئولوژیک در میان جوانان در کنگره ی یازدهم انترناسیونالیسم سوسیالیستی در ۱۹۶۹ به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. کنگره بر اهمیت «سوسیالیسم دمکراتیک» برای جلب جوانان به سوسیال دمکراسی تأکید کرد. تئوریسین های «سوسیال دمکراتیک» آن را به مثابه ی «راه سوم» عرضه می کنند و مدعیند که این تئوری اجتناب از «افراط» را چه در جهت سرمایه داری و چه کمونیسم ممکن می سازد و به «سیستم سوسیال دمکراتیک» نوینی خواهد انجامید.

زرادخانه ی ایدئولوژیک «سوسیالیسم دمکراتیک» برای اعمال نفوذ بر بخش های مختلف جوانان به طریقی متمایز طرح ریزی شده است. به جوانان دانشجو و روشنفکران جوان چنین وانمود می شود که سوسیال دمکراسی حزب «آزادی روح» است که در چارچوب آن تمام جهان بینی ها

اعم از ایدآلیستی ، مذهبی ، مارکسیستی(نه لنینیستی) می توانند همزیستی کنند. اخیراً مفهوم «مارکسیسم دمکراتیک» را عرضه کرده اند که در آن می کوشند مارکس و انگلس را به عنوان مخالفین قهر انقلابی و خود را اخلاف به حق و بلامنازع آن ها معرفی کنند. ایده ی « مارکسیسم دمکراتیک» به واسطه ی مواضع مستحکم سوسیال دمکرات ها در تعدادی از اتحادیه های کارگری اروپای غربی اثر نیرومندی بر جوانان کارگر دارد.

سوسیالیسم در تعبیر سوسیال دمکرات ها و نظریه پردازان لیبرال و رادیکال عمداً به گونه ای انحرافی نمایانده می شود. وجه مشترک همه ی این جریانات ارائه ی نظریات ضد مارکسیستی است.

اما تجربه ی نمایانگر شکست ناپذیری آموزش مارکسیسم-لنینیسم است. در میان جوانان شوق زیادی به درک عمیق تر ایده های مارکسیسم-لنینیسم وجود دارد. شرکت وسیع و فزاینده ی جوانان در اجتماعات و محافل مطالعه ی ادبیات مارکسیستی-لنینیستی و محافل حزب کمونیست مثلاً بریتانیای کبیر، ایالات متحده و جمهوری فدرال آلمان گویای این امر است. اجلاس بین المللی جوانان کارگر ، منعقد در مسکو در نوامبر ۱۹۷۲، نشان داد که بحث سازنده راجع به مسائل اجتماعی-اقتصادی عمده از دیدگاه مارکسیستی-لنینیستی در یک اجلاس بین المللی وسیع امکان پذیر است.

جوانان بیش از پیش به صفوف احزاب کمونیستی و کارگری ایتالیا، فرانسه، و بریتانیای کبیر و غیره جذب می شوند. در همه جا سازمان های مارکسیستی جوانان ایجاد می شوند. نمایندگان

گروه های اجتماعی گوناگون - دانشجویان، کارگران جوان و غیره - در جستجوی سوسیالیسم علمی واقعی به این سازمان ها می پیوندند.

* * *

اجلاس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری در ۱۹۶۹ تأکید کرد که کمونیست ها که خود از فعالین جنبش جوانانند خواهان رشد این جنبش هستند. در سند نهایی این اجلاس گفته می شود که احزاب کمونیست «ایده های سوسیالیسم علمی را در جنبش کارگری و در میان توده ها، از جمله جوانان، ترویج خواهند کرد؛ آنان بر اصول خویش پای خواهند فشرد و در راه پیروزی مارکسیسم-لنینیسم کار خواهند کرد، در انطباق با وضعیت مشخص علیه انحرافات اپورتونیستی «چپ» و راست در تئوری و پراتیک و علیه رویزیونیسم، دگماتیسم و ماجراجویی سکتاریستی «چپ» مبارزه خواهند نمود.»^۱ اجلاس مسکو اعتقاد عمیق خود را به اینکه «تنها وحدت نزدیک با جنبش کارگری و پیشاهنگ کمونیستی آن قادر است چشم انداز انقلابی واقعی را به روی آنها (جوانان) بگشاید» اعلام داشت.

هم برنامه و هم پراتیک احزاب کمونیست به جوانان نه تنها به مثابه ی جزئی از زحمتکشان بلکه همچنین به عنوان یک گروه اجتماعی - سنی جداگانه و ویژه می نگرند و به مسائل جوانان برخورد خاص می کنند.

یکی دیگر از نمودارهای اهمیت جنبش کمونیستی به جوانان ، اجلاسها و کنفرانس های در سطح ملی و بین المللی ویژه ای است که احزاب کمونیستی و کارگری برای بررسی مسائل مربوط به موقعیت جنبش جوانان تشکیل می دهند. کنفرانس های هیئت تحریریه ی مجله ی مسائل صلح و سوسیالیسم را هم می بایست به آن اضافه نمود. این نشست ها وجود امکانات وسیع را برای تحکیم جنبش بین المللی جوانان در مبارزه به خاطر صلح و علیه امپریالیسم به مثابه ی علت جنگ مورد توجه قرار داده اند. آنها ایجاد یک جبهه ی وسیع از جوانان را که در بر گیرنده ی سازمان های جوانان سوسیال دمکرات و مسیحی هم باشد پی گیری کردند. ضرورت کار ایدئولوژیک و آموزشی وسیع در میان جوانان به منظور آگاه ساختن آنان از نقش رهبری طبقه ی کارگر در جنبش ضد امپریالیستی به خاطر ترقی اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت. توجه عمده به مسأله ی فعالیت جنبش کمونیستی در میان گروه های مختلف جوانان زحمتکش ، بخصوص آنهایی که در صنایع کار میکنند، معطوف گردید.

احزاب کمونیست برای جلب و آموزش آن بخش از جوانان که هنوز زیر نفوذ افکار چپ روانه هستند بطور گسترده ای فعالیت می کنند. دانشمندان مارکسیست تحلیل تئوریک و سیاسی جامعی از منشأ ، مضمون اجتماعی و ایدئولوژی جنبش «چپ نو» ارائه داده اند. مطالعه ی انتقادی در باره ی مقولات فلسفی و مضمون اجتماعی-سیاسی تئوری مارکوزه، مفاهیم ریچ ، سارتر و امثالهم و نیز مفاهیم خرده فرهنگ جوانان و غیره صورت گرفته است؛ در آثار جدید تروتسکیسم و مائوئیسم هم افشاء شده اند.

احزاب کمونیست و سازمان های مارکسیستی جوانان دائماً عواملی را که به رشد راست گرائی افراطی می انجامند تجزیه و تحلیل می کنند. اینکار برای مبارزه ی مؤثر علیه نفوذ افراطیون راست ضروری است.

کمونیست ها همچنین نسل جوان را به مبارزه برای حل مسائل خاص خود با ملحوظ داشتن خواست های گروه های اجتماعی مختلف جوانان فرا می خوانند. آنان پیوند بین خواست های ویژه ی آن ها و کل مبارزه ی تمام نیروهای مترقی علیه قدرت مطلقه ی انحصارات و مجتمع های نظامی-صنعتی و در راه تغییرات عمیق دمکراتیک و اجتماعی را به جوانان توضیح می دهند. احزاب کمونیست می کوشند به برآورده شدن خواست نسل جوان مبنی بر شرکت آن ها در حل مسائل جهانی کمک نمایند. بالاخره آن ها سیاست های جامعه ی سوسیالیستی را برای جوانان تشریح می کنند و به مقابله با جعلیات و افتراءات ایدئولوگ های آنتی کمونیسم در این زمینه یاری می رسانند.

همانگونه که در برنامه ی حزب کمونیست ایالات متحده ی آمریکا آمده است، جوانان از خود نیروی زیست، قوه ی ابتکار، شهامت و آرمان گرائی نشان می دهند. برای آن که بتوان از این کیفیات به عنوان ابزار مؤثر تغییرات اجتماعی استفاده نمود می بایست آن ها را نه کورکورانه بلکه همراه با درک نیروهای در ستیز به کار گرفت. این موضوع که جامعه ی سرمایه داری جوانان را نمی پذیرد می بایست برای اتحاد با طبقه ی کارگر در نبرد با حاکمیت انحصاری به کار رود.

حزب کمونیست ایتالیا اظهار می دارد که وحدت سیاسی جوانان را به مثابه ی وحدت دیالکتیکی، پیوند و مقابله، بین سه گرایش ایدئولوژیک و سیاسی عمده - کاتولیک، سوسیالیست و کمونیست - بر مبنای یک برنامه ی تحول عمیق جامعه در نظر دارد.

حزب کمونیست آلمان برنامه ی ویژه ای برای مسائل جوانان دارد که در آن حقوق جوانان به قرار زیر تنظیم شده است: زندگی صلح آمیز و حمایت از آنها در برابر مسموم کردن ذهن شان با اندیشه های میلیتاریستی و نئونازیستی با آموزش و پرورش انسانی و مطابق اسلوب علمی؛ شرکت در حل مسائل مبتلابه جوانان با اطمینان و برابری اجتماعی و استفاده ی معقول از اوقات فراغت.

مسائل جوانان در برخی از پلنوم های کمیته ی مرکزی حزب کمونیست فرانسه نیز مورد بحث قرار گرفته است. در قطعنامه ی مصوبه ی کنگره ی نهم حزب کمونیست هندوستان گفته می شود که سازمان های جوانان و دانشجویان می بایست با حفظ خصلت توده ای شان به سوی مارکسیسم - لنینیسم و سیاست های حزب کمونیست هدایت شوند.

از همه ی موارد فوق چنین برمی آید که احزاب کمونیست در مطالبات خویش مسائل عمده ی جوانان را منعکس می سازند. آنان به جوانان کمک می کنند تا راه حل مارکسیستی را در مسأله ی رابطه ی بین وظایف دمکراتیک و سوسیالیستی بیاموزند تا همان طور که لنین گفت بتوانند «مبارزه در راه دمکراسی را با مبارزه به خاطر انقلاب سوسیالیستی درآمیزند»^۱.

جوانان عامل مهمی در ایجاد ائتلاف های وسیع ضد امپریالیستی و دمکراتیک هستند. نزدیکی جنبش جوانان و بخش های دیگر جنبش دمکراتیک عمومی به جنبش کارگری بر پایه ی اشتراک منافع و مبارزه ی مشترک آنها در برابر یورش انحصارات به حقوق و آزادی های دمکراتیک و بسط و گسترش تشنج زدایی در تمام قاره ها و پائین آوردن سطح زندگی است. پیوندهای مشترک عمده ی کنونی و آتی از همین جا ناشی می گردد.

برای کار فعال فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه ی بین المللی دانشجویان ، در سال های اخیر که نقش شان در جنبش جهانی جوانان افزایش یافته، امکانات جدید و وسیعی پدید آمده است.

اتحاد کمونیستی جوانان شوروی، بر طبق اصل انترناسیونالیسم پرولتری، بطور خستگی ناپذیری روابط برادرانه ی خود را با بخش های مترقی جوانان دیگر کشورها تحکیم می بخشد. همانگونه که در پیام هفدهمین کنگره ی اتحاد کمونیستی جوانان شوروی (کمسومول) به کمیته ی مرکزی حزب کمونیست شوروی آمده است، این سازمان مساعی خود را در مبارزه به خاطر همبستگی بیشتر جنبش جهانی کمونیستی و جنبش دمکراتیک چند برابر خواهد نمود. بدون تردید کمسومول که طی بیش از نیم قرن نام لنین را به حق بر خود داشته، همواره در کنار آن هایی خواهد بود که علیه امپریالیسم پیکار می کنند و در راه استقلال ملی، ترقی اجتماعی، صلح و آینده ی بهتر برای جوانان و تمامی بشریت زحمتکش مبارزه می کنند.
